به نام خدا

حجاب در جمهوری آذربایجان؛ از سکولاریسم حکومتی تا محدودسازی هویت دینی

دکتر زهرا کبیری‌پور
دکتری تاریخ تشیع
عضو هیئت مدیرهٔ انجمن تاریخ‌پژوهان حوزهٔ علمیه

تحولات اخیر جمهوری آذربایجان در موضوع محدودیت حجاب در مدارس دولتی را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک اختلاف درباره لباس دانش‌آموزان یا ضوابط اداری نظام آموزشی تحلیل کرد. آنچه در این ماجرا اهمیت بیشتری دارد، نسبت میان سیاست‌های رسمی دولت، هویت دینی جامعه و حق شهروندان در ابراز باورهای اعتقادی خویش است. مسئله حجاب در این کشور، به‌ویژه با توجه به پیشینه تاریخی و جایگاه تشیع در شکل‌گیری هویت اجتماعی مردم آذربایجان، ابعادی فراتر از یک مقررات آموزشی پیدا می‌کند.

۱. هویت دینی جامعه آذربایجان و میراث تاریخی تشیع

جمهوری آذربایجان از جمله جوامعی است که هویت تاریخی و فرهنگی آن با سنت‌های اسلامی و به‌ویژه تشیع پیوند عمیقی دارد. این پیوند صرفاً به اعتقاد فردی محدود نیست؛ بلکه در حافظه تاریخی، مناسک مذهبی، آیین‌های اجتماعی، فرهنگ عاشورایی، ادبیات دینی و مناسبات خانوادگی و اجتماعی مردم این سرزمین حضور داشته است.

تجربه تاریخی آذربایجان در دوره حاکمیت امپراتوری روسیه تزاری و سپس نظام شوروی نشان می‌دهد که جامعه دینی این منطقه دوره‌های طولانی از محدودیت فعالیت‌های مذهبی و فشار بر نهادهای دینی را پشت سر گذاشته است. پس از استقرار حاکمیت بلشویکی در سال ۱۹۲۰، سیاست‌های ضد دینی به‌تدریج ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. با وجود این سیاست‌ها، باورهای مذهبی در لایه‌های مختلف جامعه باقی ماند و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زمینه برای بازنمایی مجدد هویت دینی فراهم شد.

از این منظر، دین در جمهوری آذربایجان را نمی‌توان پدیده‌ای وارداتی یا صرفاً محصول تأثیرگذاری کشورهای همسایه دانست. گرایش‌های دینی جامعه، ریشه در تاریخ، فرهنگ و تجربه زیسته مردم این سرزمین دارد. بنابراین، تقلیل دینداری مردم آذربایجان به تأثیرات خارجی، نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی این جامعه است.

۲. از تجربه تاریخی شوروی تا مناقشه امروز حجاب

برای فهم بهتر تحولات کنونی، توجه به تجربه تاریخی جامعه شیعی آذربایجان در دوره شوروی اهمیت ویژه‌ای دارد. پس از استقرار حکومت بلشویکی در سال ۱۹۲۰، مقابله با مظاهر اجتماعی دین به یکی از محورهای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی حکومت تبدیل شد. این سیاست‌ها تنها به محدودسازی فعالیت روحانیان و تعطیلی مساجد منحصر نبود، بلکه آیین‌های جمعی و مناسک مذهبی را نیز هدف قرار می‌داد.

یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها، محدودیت‌های اعمال‌شده بر مراسم محرم و عاشورا بود. پژوهش آلتای گویوشوف، با عنوان «دولت، محرم و آیین شیعی در جمهوری آذربایجان شوروی و پساشوروی» (۲۰۲۶)، نشان می‌دهد که حزب کمونیست

آذربایجان از سال ۱۹۲۰ دستورالعمل‌هایی برای تبلیغات علیه آنچه «تعصب مذهبی» می‌نامید، صادر کرد. در سال‌های بعد، برگزاری دسته‌های عزاداری در خیابان‌های باکو و برخی مناسک مرتبط با محرم با محدودیت مواجه شد. این سیاست‌ها در ادامه با تلاش برای انتقال مناسک دینی از عرصه عمومی به فضاهای خصوصی و کنترل‌شده همراه بود.

اهمیت این تجربه تاریخی در آن است که مناسک محرم و عاشورا، صرفاً مجموعه‌ای از آیین‌های مذهبی نبودند؛ بلکه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بازتولید هویت شیعی و پیوندهای اجتماعی مردم آذربایجان به شمار می‌رفتند. حکومت شوروی با محدودسازی این مناسک در واقع می‌کوشید بر یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور جمعی دین در جامعه مسلط شود. با این حال، همان‌گونه که گویوشوف نشان می‌دهد، محدودیت‌های حکومتی نتوانست اهمیت عاطفی و اجتماعی محرم را از حافظه جمعی جامعه حذف کند.

این تجربه تاریخی را می‌توان از حیث نسبت دولت با مظاهر عمومی دین با تحولات امروز مقایسه کرد؛ هرچند محدودیت مناسک عاشورا در دوره شوروی و مقررات پوشش مدارس امروز از نظر موضوع و زمینه سیاسی یکسان نیستند. وجه مشترک قابل بررسی، مسئله حدود مداخله دولت در بازنمایی اجتماعی دین است.

در همین چارچوب، تجربه ایران در دوره رضاشاه نیز قابل توجه است. در ۱۷ دی ۱۳۱۴، سیاست کشف حجاب اجباری رسماً اعلام و اجرا شد. این سیاست با هدف تغییر الگوی پوشش زنان در چارچوب برنامه نوسازی حکومتی دنبال می‌شد، اما در عمل با برخوردهای قهری با زنان محجبه همراه شد. گزارش‌های تاریخی از برخورد مأموران با زنان، برداشتن اجباری چادر و روسری و خودداری برخی زنان از حضور در اماکن عمومی برای پرهیز از مواجهه با مأموران حکایت دارند. این تجربه نشان می‌دهد که تحمیل یک الگوی پوشش از سوی دولت، حتی اگر با شعار نوسازی و پیشرفت همراه باشد، می‌تواند به محدود شدن آزادی‌های فردی و اجتماعی و ایجاد شکاف میان سیاست رسمی و باورهای جامعه منجر شود.

۳. سکولاریسم؛ اصل بی‌طرفی دولت یا ابزار محدودسازی دین؟

یکی از مسائل اساسی در تحلیل تحولات اخیر، چگونگی تفسیر و اجرای اصل سکولاریسم در ساختار سیاسی جمهوری آذربایجان است. جدایی نهاد دین از دولت، لزوماً به معنای حذف دین از عرصه عمومی یا محدود کردن مظاهر دینداری شهروندان نیست. در یک نظام مبتنی بر حقوق شهروندی، دولت می‌تواند نسبت به باورهای دینی شهروندان بی‌طرف باشد، اما این بی‌طرفی نباید به سلب آزادی آنان در ابراز اعتقاداتشان تبدیل شود.

البته باید توجه داشت که نسبت دین، قانون و جامعه در همه کشورها یکسان نیست. در جمهوری اسلامی ایران، حجاب افزون بر آنکه یک تکلیف شرعی برای زنان مسلمان است، در چارچوب نظام حقوقی کشور، قاعده‌ای قانونی و اجتماعی در عرصه عمومی نیز به شمار می‌رود. از این منظر، رعایت پوشش شرعی در فضای عمومی صرفاً به زنان مسلمان اختصاص ندارد و زنان پیرو ادیان دیگر، از جمله مسیحیان و یهودیان، نیز در چارچوب قوانین عمومی کشور ملزم به رعایت ضوابط پوشش هستند. بنابراین، حجاب در ایران تنها یک امر خصوصی یا انتخاب فردی نیست، بلکه با نظم اجتماعی و هنجارهای عمومی جامعه نیز ارتباط دارد.

این دیدگاه را نباید با نفی حقوق و احترام به پیروان ادیان دیگر یکسان دانست. همان‌گونه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سیزدهم، حقوق و آزادی‌های دینی اقلیت‌های شناخته‌شده را در چارچوب قانون به رسمیت شناخته است، رعایت

ضوابط عمومی جامعه نیز موضوعی جداگانه است. از این رو، می‌توان ضمن احترام به هویت و مناسک دینی اقلیت‌ها، بر لزوم رعایت قوانین عمومی در فضای اجتماعی تأکید کرد.

قانون اساسی جمهوری آذربایجان در ماده ۱۸ بر سکولار بودن نظام آموزشی و جدایی دین از دولت تأکید می‌کند؛ اما ماده ۴۸ نیز آزادی اعتقاد و امکان عمل به باورهای دینی را به رسمیت می‌شناسد. ماده ۴۲ نیز حق آموزش را تضمین کرده است. بنابراین، مسئله اصلی صرفاً وجود اصل سکولاریسم در قانون اساسی نیست، بلکه چگونگی جمع میان سکولار بودن نظام آموزشی و تضمین آزادی دینی شهروندان است.

در همین چارچوب، در ۷ ژوئیه ۲۰۲۶ اصلاحاتی در قانون آموزش عمومی جمهوری آذربایجان تصویب شد که اصول ملی‌گرایی و سکولاریسم را به مبانی نظام آموزش عمومی افزود و رعایت الزامات پوشش را برای دانش‌آموزان و کارکنان مدارس دولتی الزامی کرد. سپس در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶، هیئت وزیران با اصلاح مقررات لباس مدارس، استفاده از پوشش‌هایی را که با یکسانی یونیفرم یا اصل سکولار بودن آموزش عمومی مغایرت داشته باشد، ممنوع اعلام کرد.

نکته مهم آن است که در متن این مصوبه، واژه حجاب به‌صراحت ذکر نشده است؛ اما گزارش‌های منتشرشده از اجرای آن نشان می‌دهد که برخی مدارس، ورود دختران محجبه را به کلاس درس ممنوع کرده‌اند. همچنین در ۶ اکتبر مقررات جداگانه‌ای درباره پوشش کارکنان مدارس تصویب شد که معلمان محجبه را نیز تحت تأثیر قرار داد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، اجرای این مقررات از ۱۲ اکتبر به ممانعت از ورود برخی دانش‌آموزان محجبه انجامیده و اعتراض‌هایی را در نقاط مختلف کشور برانگیخته است.

گزارش‌های منتشرشده از فضای مدارس، از خداحافظی اشک‌بار برخی معلمان با دانش‌آموزان، تجمع دختران پشت درهای مدارس و همبستگی شماری از دانش‌آموزان با همکلاسی‌های محجبه خود حکایت دارد. این تصاویر و روایت‌ها، مسئله را از سطح اختلاف بر سر ضوابط پوشش فراتر برده و به موضوعی درباره آزادی اعتقاد و امکان عمل به باورهای دینی، حق تحصیل و کرامت انسانی تبدیل کرده است.

۴. حجاب؛ حق دینی و اجتماعی زن مسلمان

حجاب برای زن مسلمان صرفاً یک انتخاب ظاهری یا نماد فرهنگی نیست؛ بلکه در منظومه اعتقادی اسلام، بخشی از تکالیف دینی و مرتبط با هویت و سبک زندگی مؤمنانه است. از این رو، احترام به حجاب به معنای احترام به حق زن مسلمان برای پایبندی به باورهای دینی خویش است.

همانطور که اشاره شد حجاب در جمهوری اسلامی ایران افزون بر جنبه عبادی و تکلیف شرعی، جایگاهی قانونی و اجتماعی دارد. بر همین اساس، رعایت پوشش شرعی در عرصه عمومی، قاعده‌ای فراگیر در نظم اجتماعی کشور است و به زنان مسلمان محدود نمی‌شود؛ بلکه زنان مسیحی و یهودی نیز، همچون دیگر زنان، در هنگام حضور در فضای عمومی ملزم به رعایت ضوابط قانونی پوشش هستند. این تلقی از حجاب، بر این مبنا استوار است که برخی هنجارهای اجتماعی در نظام حقوقی کشور، صرفاً به اعتقاد شخصی افراد وابسته نیستند و رعایت آنها در فضای عمومی جنبه همگانی پیدا می‌کند.

البته این موضع درباره جایگاه حجاب در نظام حقوقی و اجتماعی ایران، به معنای یکسان دانستن شرایط حقوقی و فرهنگی کشورهای مختلف نیست. هر کشور بر اساس ساختار حقوقی، مبانی قانون اساسی و نظام اجتماعی خود، نسبت میان دین و

قانون را تعریف می‌کند. از این رو، بررسی وضعیت جمهوری آذربایجان نیز باید با توجه به قوانین و تعهدات حقوقی همان کشور صورت گیرد.

از منظر حقوق انسانی نیز آزادی دین و امکان عمل به باورهای دینی تنها به حق داشتن یک عقیده در ذهن محدود نمی‌شود؛ بلکه امکان ابراز و عمل به آن در زندگی فردی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. محروم کردن یک دختر دانش‌آموز از حق آموزش به دلیل پایبندی به پوشش دینی، میان دو حق اساسی او، یعنی آزادی دینی و حق تحصیل، تعارضی ایجاد می‌کند که مسئولیت آن متوجه سیاست‌گذاری محدودکننده است.

نکته مهم آن است که حق برخورداری از آموزش نباید به کنار گذاشتن باورهای دینی مشروط شود. مدرسه باید فضایی برای رشد علمی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان باشد، نه محیطی که در آن افراد برای برخورداری از حق تحصیل ناگزیر به چشم‌پوشی از بخشی از هویت اعتقادی خود شوند.

در این زمینه، حتی با معیارهای حقوقی بین‌المللی نیز نمی‌توان صرفاً با استناد به سکولار بودن آموزش عمومی، هرگونه محدودیت بر پوشش دینی را توجیه کرد. آزادی دین و حق آموزش از حقوق شناخته‌شده انسان‌هاست و هرگونه محدودیت بر آن باید از نظر قانونی، ضرورت، تناسب و عدم تبعیض قابل دفاع باشد. عفو بین‌الملل نیز در واکنش به تحولات اخیر، محروم کردن دختران از حضور در کلاس درس به دلیل حجاب را مغایر با حقوق آموزشی و آزادی دین و بیان دانسته‌اند.

۶. ضرورت دفاع از حق حجاب با رویکردی فرهنگی و حقوقی

در مواجهه با این تحولات، اتخاذ رویکردی مبتنی بر عقلانیت، استدلال و دفاع از حقوق شهروندان ضروری است. اعتراض به محدودیت حجاب باید بر اصولی روشن استوار باشد: احترام به باورهای دینی، تضمین حق آموزش، رعایت کرامت انسانی و پرهیز از تبعیض بر مبنای اعتقادات.

همچنین باید میان نقد سیاست‌های دولت جمهوری آذربایجان و داوری درباره جامعه این کشور تمایز قائل شد. جامعه آذربایجان دارای تنوع نگرش‌ها و گرایش‌های دینی است و نمی‌توان همه شهروندان آن را با یک الگوی واحد توصیف کرد. آنچه باید مورد حمایت قرار گیرد، حق شهروندان برای برخورداری از حقوق برابر و امکان پایبندی به باورهای دینی است؛ از جمله حق زن مسلمانی که می‌خواهد با حفظ حجاب در مدرسه، دانشگاه و عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشد.

در این چارچوب، بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای(ره)، درباره حجاب نیز واجد اهمیت است. ایشان در کنار تأکید صریح بر وجوب شرعی حجاب، بر ضرورت تبیین منطقی و فرهنگی آن و پرهیز از متهم کردن و طرد زنان کم‌حجاب تأکید داشتند. این نگاه نشان می‌دهد که دفاع از حجاب، هم باید بر مبانی اعتقادی استوار باشد و هم با شناخت واقعیت‌های اجتماعی و رعایت کرامت انسان‌ها همراه شود.

در نهایت، مسئله حجاب در جمهوری آذربایجان را باید فراتر از یک اختلاف بر سر لباس مدرسه دید. موضوع اصلی، نسبت میان دولت، دین و جامعه و حدود مداخله ساختار سیاسی در زندگی اعتقادی شهروندان است. تفاوت دیدگاه‌ها و نظام‌های حقوقی کشورها درباره جایگاه حجاب، نباید موجب نادیده گرفتن حقوق اساسی شهروندان و محرومیت آنان از آموزش شود. هیچ دختری نباید برای ورود به کلاس درس، میان تحصیل و پایبندی به اعتقادات دینی خود یکی را انتخاب کند. حجاب برای

زن مسلمان، هم تکلیف دینی و هم بخشی از هویت اعتقادی اوست و احترام به این حق، بخشی از احترام به کرامت انسانی و حق پایبندی به باورهای دینی است.

موفق و مؤید باشید